

اندیشه عاشورایی امام خمینی (ره) و تاثیر آن در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران

محمد رحیم عیوضی^۱ حسن سعیدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶

چکیده:

عاشورا جوشش عشق ایثار و شهادت است یکی از مهم ترین ابعاد عاشورا، درس ها و عبرت های آن است. تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم ستیزی، دوری جستن از خط انحراف الهام گرفتن و الگو قرار دادن اسوه های هدایت از درس های و عبرت های عاشورا است که در بیانات امام خمینی (ره) بیان شده است. بدن هایی که ناگهان در هیئت های چند هزار نفری و چند میلیونی به خیابان های شهرهای ایران ریختند چه کسانی بودند؟ این بدن هایی که نه از خطر تانک می ترسیدند و نه از توپ و هیچ ترس از مردان مسلحی که در مقابل آن ها بودند نداشتند. چه کسی ترس معمول و معقول از درد و مرگ را از بین برده بود؟ مقاله حاضر در پاسخ به این سوال اصلی است که درسها و عبرت های عاشورا چه تاثیری بر شکل دهی به آرمان ایثار، جهاد، استکبار ستیزی و شهادت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر در بیانات امام خمینی (ره) داشته است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی محتوا در چارچوب تجزیه و تحلیل داده های اسنادی و بعضاً تاریخی، توضیحی می باشد. یافته های تحقیق که در پاسخ به سوال اصلی مطرح شده نشان می دهد که زیارت عاشورا و مداومت بر خواندن آن که در زندگانی امام خمینی (ره) اهمیت فراوان داشته است و این اهمیت و مداومت، باعث الگو گیری از آن زیارت مقدس شده و ضمن توصیهای خواندن آن به شاگردان، سبب درسها و عبرتهایی چون تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم ستیزی، دوری جستن از خط انحراف الهام گرفتن، امر به معروف و نهی از منکر و الگو قرار دادن اسوه های هدایت شده و این درسها در بیانات و سخنرانی هان بزرگوار مکرراً بیان شده است.

واژگان اصلی: زیارت عاشورا، ایثار، شهادت طلبی، امام حسین (ع)، جهاد، امام خمینی (ره).

از قرن‌ها پیش عاشورا عنوان تجلی روز درگیری حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه دین و عقیده، شناخته شده است. حسین بن علی(ع) در این روز، با یارانی اندک ولی با ایمان و صلابت و عزتی بزرگ و شکوهمند با سپاه سنگدل و بی‌دین حکومت ستم یزدی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه همیشه زنده عشق خدایی و آزادگی و حریت مبدل ساخت. عاشورا گرچه یک روز بود، اما دامنه تاثیر آن تا ابدیت کشیده شد و چنان در عمق وجدانها و دلها اثر گذاشته که همه ساله دهه محرم و بویژه عاشورا، اوج عشق و اخلاص نسبت به معلم حریت و اسوه جهاد و شهادت، حسین بن علی(ع) می‌گردد و همه، حتی غیر شیعه، در مقابل عظمت روح آن آزادمردان تعظیم می‌کنند. امام حسین(ع) که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی بپیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا به محاصره نیروهای ابن زیاد در آمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش روز عاشورا لب تشنه با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت درآمده به کوفه برده شدند. هفتاد و دو تن یاران شهید او، بزرگترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت خواه، ابدی ساختند. عاشورا در مقایسه با بسیاری از رخدادهای دیگر، حجم کمی از وقایع را به خود اختصاص داده و آغاز و انجام آن، در برهه ای کوتاه اتفاق افتاده است. اما یکی از حوادثی است که در طول تاریخ خویش، بیشترین توجه را به خود جلب کرده و علاوه بر نقش گسترده و تاثیر عمیق اجتماعی تاریخی خود، به صورت فرهنگی ویژه با ساختاری منحصر به فرد در آمده است.

مقاله حاضر در پاسخ به این سوال اصلی است که درسها و عبرتهای عاشورا چه تاثیری بر شکل دهی به آرمان ایثار، جهاد، استکبار ستیزی و شهادت طلبی، امر به معروف و نهی از منکر در بیانات امام

خمینی (ره) داشته است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی در چارچوب تجزیه و تحلیل داده‌های اسنادی و بعضاً تاریخی، توضیحی می باشد. یافته‌های تحقیق که در پاسخ به سوال اصلی مطرح شده نشان می دهد که زیارت عاشورا و مداومت بر خواندن آن که در زندگانی امام خمینی (ره) اهمیت فراوان داشته است و این اهمیت و مداومت، باعث الگو گیری از آن زیارت مقدس شده و ضمن توصیه‌های خواندن آن به شاگردان، سبب درسها و عبرتهایی چون تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم‌ستیزی، دوری جستن از خط انحراف، الهام گرفتن، امر به معروف و نهی از منکر و الگو قرار دادن اسوه‌های هدایت شده و این درسها در بیانات و سخنرانی هان بزرگوار مکرراً بیان شده است.

۱- چارچوب نظری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به تحولات متعددی در نظریه‌های انقلاب منجر شد و بسیاری از نظریه‌پردازان، ناگزیر به تجدیدنظر در آراء خود شدند تا بتوانند انقلاب اسلامی ایران را که ویژگی‌های متمایز و منحصر فراوانی داشت، تبیین کنند. با توجه به همین تنوع دیدگاه‌ها، بعد از انقلاب اسلامی نیز طیفی از نظریات جدید مطرح شد که در این سر، از جامعه‌شناختی‌ترین نظریات شروع می‌شد و در آن سر، به نظریات عرفانی و ماوراء الطبیعی می‌رسید. میشل فوکو، فیلسوف - جامعه‌شناس فرانسوی، با دادن تحلیلی معنویت‌گرایانه، خیزش شیعه را رمز انقلاب ایران و دمیدن روحی به کالبد جهان بی‌روح ایرانی دانست. برای تحلیل درسها و عبرتهای عاشورا با الگوگیری از زیارت عاشورا و تأثیر آن در شکل دهی به آرمان‌ایثار، جهاد و شهادت طلبی در بیانات امام خمینی (ره) از الگوی لیلی عشقی بهره گرفته شده است در ذیل به تحلیل الگوی نظری عشقی می پردازیم

۱-۱ روش‌شناسی تاویلی لیلی عشقی: نقش متافیزیک ایرانی در «رخداد» انقلاب

به نظر عشقی «انقلاب ایران ممکن نبود مگر با پیوند سه شرط: بعد عرفانی تشیع، مذهب عامه (عشق به ائمه، رابطه با کربلا) و مسئله موجودیت ملی» رویداد در عرفان شیعی به نقش، جایگاه و اهمیت امام در تشیع ارتباط می یابد. چون «امام یعنی مکان واسط و جایگاه ملاقات که در منطقه خاصی قرار می گیرد. در عالم مثال یا ملکوت که کربن آن را جهان تصویر ترجمه کرده است... ملکوت جایی است که بین جهان ملموس (ملک) و جهان جبروت قرار می گیرد» (لیلی عشقی، ۱۳۷۸، ص ۶۸).

عرفای ما از سفر به عالم ملکوت خبر می دهند. عالمی که بین ملک و جبروت قرار دارد. عالم ملکوت عالم بی زمانی است، زمان آنجا با زمان ملک تفاوت دارد. زمان آنجا باقی است. وقتی کسی

به عالم ملکوت راه پیدا کند، نظرش نسبت به دنیا عوض می شود. جایگاه ائمه در عالم ملکوت، یعنی همان عالم واسطه ای است. همانطور که ملکوت بین ملک و جبروت قرار دارد؛ امامان هم واسطه بین بندگان و خدا هستند. هنگامیکه «حادثه ای» روی می دهد، در لحظه حادثه از عالم ملک و امور روزمره و همیشگی کنده می شویم و توانایی های جدیدی به دست می آوریم که در مواقع عادی فاقد آنها بودیم. به رازهایی از خودمان پی می بریم که قبلا از آنها خبر نداشتیم. ترس برای ما بی مفهوم میشود و از همه علائق دنیوی رها می شویم. به لحاظی می توان گفت لحظه حادثه جهشی است در ملکوت. لحظه ای است که ما از عالم ملک کنده می شویم و در آن عالم بی زمان و مکان قرار می گیریم. این همان تمثیل یا حقیقتی است که زمان حادثه از بافت دیگری است. (همان. ۱۸۳-۱۸۴)

جایگاه رویداد همین ملکوت است، جایی خارج از تعین و خارج از زمان، جایی که وقتی از قید زمان و مکان ملموس خارج می شویم به آن جا می رسیم. به قول هانری کربن «برای عرفا سفر به ملکوت در عالم رویا صورت می پذیرد، چنان که گویی رویداد هیچ جای اجتماعی یا عقلایی ندارد». به این ترتیب ملکوت محل ثبت رویداد است، رویدادی که زمان در مفهوم تاریخ را می گسلد و معنای جهیدن ملکوت در جهان عینی است. به قول کربن گذار «ملکوت زمانی رخ می دهد که انسان از لحاظ گسیخت هیچ آگاهی ندارد» (عشقی، ۱۳۷۹ ص. ۶۲)

به نظر خانم عشقی، انسان هایی که در جریان انقلاب اسلامی بی محابا به استقبال مرگ رفته و از توپ و تانک و گلوله نمی ترسیدند، اجسامی بودند که احتیاط معمول و متداول بشری را نداشتند، چراکه گویی در زمان وجودی خاصی می زیستند، «از این عالم بریده و در ملکوت به سر می بردند، ذهنیتی از مردم که قبل از هر چیز باعث حیرت خود آن ها می شود. قبل از آن که دیگران متحیر شوند» (همان: ۶۴). لذا اساسا آن چه در انقلاب ایران اتفاق گسیخت با زمان بود و این خارجیت از زمان تبدیل به ویژگی بارز و دکترین اصلی این انقلاب گشت. آن چه در نهایت ارتش قدرتمند ایران را در برابر انقلاب مردم این کشور به تسلیم واداشت، همین خصوصیت رویدادی یا ملکوتی این انقلاب بود، چون در نهایت این ارتش «به این نتیجه رسید که آن چه در برابر آن قرار گرفته است، بدن های معمولی نیستند، شوقی دیگر دارند و دیگر ترس از ارتش به دل راه نمی دهند» (همان: ۶۵). لذا است که ارتش نیز خود را به دست و رویداد رها کرد و به قول خانم عشقی «در برابر ملکوت تسلیم شد».

۱-۲- شجاعت و یـژه انقلابیـون و قیـام عاشـورا
عشقی معتقد است انقلاب اسلامی یک «حادثه درونی» است که برای ملت ایران اتفاق افتاده است.

مردم ناگهان به گونه‌ای عمل کردند که همه دنیا و حتی خودشان هم از اینکه این طور شجاعت به خرج دادند، تعجب کردند. در حادثه انقلاب گویی هیچ چیز برای مردم مهم نبود و مردم صرفاً در صدد ابراز وجود خود بودند. می‌خواستند وجود داشته باشند و حرف خود را بزنند. کلامی که تأویل اسلامی و تحقق آن بود. درست از جنس حرکت امام حسین (ع) که آن حرکت نیز، حرکتی وجودی بود که گرچه به مرگ منتهی شد امام آغازگر حرکت‌های متعدد در بستر تاریخ شدایران نوزایی خود را در تشیع می‌دید. کنت دوگوبینو که در قرن ۱۹ به صحنه تعزیه‌ها می‌نگریست و در چهره امام حسین (ع) ایران مثله شده را می‌یافت، خوب می‌توانست این انقلاب را درک کند؛ ایران کشته شده، سر بریده امام محبوب خدا. تشیع به مانند چهره امام حسین (ع) خود قسمتی از هستی ما محسوب می‌شود. شیعه هم بهترین قسمت هستی ماست که از اسلام مهاجمین گرفته‌ایم؛ چنانکه گویی از دشمن هم می‌توان چیزی گرفت و آن را به قسمتی از سرنوشت خود تبدیل کرد. بارها ما دشمن را گرفته‌ایم و تقسیم کرده‌ایم و بر پایه آن خود را تعریف کرده‌ایم.

امام حسین (ع) ترجمان «ایران مثله شده» است... . ایران عصر اسلامی بر محور کربلا و خون امام حسین (ع) استوار است. درست مثل ایران باستان که بر خون ایرج استوار بود. ... باید گفت که هیچ شروعی، شروع مطلق نیست. خوشبختانه به رغم ظواهر ایران هم باید گفت که امام حسین (ع) در انقلاب اسلامی حضور دارد. بنابراین امام خمینی (ره) با درسها و عبرتایی که از عاشورای امام حسین گرفته است سبب شده است تا شور حسینی یعنی ایثار، جهاد و شهادت سبب شکل‌گیری بدن‌هایی که نه از خطر تانک می‌ترسیدند و نه از توپ و هیچ ترس از مردان مسلحی که در مقابل آن‌ها بودند نداشتند. چون الگوی آنان امام حسین (ع) بوده است

۲- اهمیت زیارت عاشورا در بین سماواتیان

در کتاب کامل الزیارة روایت شده است که حق تعالی امر فرمود، به ملائکه که زیارت کنند موضع دفن حضرت سیدالشهداء (علیه‌السلام) را هزار سال پیش از شهادت آن بزرگوار و همچنین روایت شده است که در وقت هر نماز از نمازهای پنج‌گانه هفتاد هزار ملائک به زیارت آن سرور مشرف می‌شوند و تا روز قیامت نوبت زیارت به ایشان میسر نمی‌شود. (کامل الزیارة، 1356، ص ۳۵۲)

امام محمد باقر (علیه‌السلام) به علقمه فرمود:

«پس از آن‌که به آن حضرت با سلامی اشاره کردی، دو رکعت نماز بخوان و سپس زیارت عاشورا را بخوان. هنگامی که این زیارت را خواندی در حقیقت او را به چیزی خواندی که هر کس از

ملائکه که بخوانند او را زیارت کنند، به آن می‌خوانند و خداوند برای تو هزار هزار حسنه می‌نویسد و از تو هزار هزار سیئه محو می‌نماید و تو را هزار هزار مرتبه بالا می‌برد و همانند کسانی می‌باشی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیدند. حتی در درجات آنها هم شریک می‌شوی.» (همان، ص ۷۴)

امام صادق (علیه‌السلام) به صفوان می‌فرماید: «زیارت عاشورا را بخوان و از آن مواظبت کن، به درستی که من چند خیر را برای خواننده آن تضمین می‌کنم، اول زیارتش قبول شود. دوم سعی و کوشش او شکور باشد. سوم حاجات او هر چه باشد از طرف خداوند بزرگ برآورده شود و نا امید از درگاه او برنگردد، زیرا خداوند وعده خود را خلاف نخواهد کرد.» (بحارالانوار، ۱۳۸۶، ج ۹۸، ص ۳۰۰)

«اگر مردم می‌دانستند زیارت امام حسین (علیه‌السلام) چه ارزشی دارد، از شدت شوق و علاقه می‌مردند و حسرت رسیدن به آن پادشاه، جسم و روح آنها را پاره پاره می‌کرد.» (همان، ص ۱۸)

زیارت امام حسین (علیه‌السلام) بر هر مؤمنی که اقرار به امامت ایشان داشته باشد، واجب است. (همان، ص ۶۹)

کسی که امام حسین (علیه‌السلام) را تنها برای رضا و خوشنودی پروردگار، و نه برای کسب شهرت زیارت کند، خداوند تمامی گناهان او را پاک می‌کند. (همان، ص ۴)

عاشورا و کربلا در نگاه امام جایگاه ویژه ای دارد و امام نظر گاه بلندی به عاشورا افکنده و آن را دست مایه سترگی برای آفرینش انقلاب اسلامی یافته و از آن الهام گرفته است امام خمینی (س) قیام خود را برگرفته از قیام سیدالشهدا معرفی می‌کند و به آن افتخار می‌کند و یادآور می‌شود که مابایستی در سهای شجاعت، شهادت، عدالت، عدالت خواهی، مبارزه با ظلم و دفاع از مکتب را فراگیریم. به همین جهت حضرت امام احترام ویژه ای نیز برای سالار شهیدان امام حسین (ع) قائل بودند.

۳- مداومت امام خمینی (ره) به زیارت عاشورا

بی شک یکی از مهمترین اسباب موفقیت امام خمینی در پیشبرد انقلاب اسلامی ایران توجه تام ایشان به خداوند متعال و توسلات ایشان به ائمه اطهار بوده است. به طور خاص در مورد توسل ایشان به امام حسین (ع) نوشته اند: در تمام مدت تبعید امام خمینی (ره) به نجف اشرف، جز در موارد استثنایی، برنامه زیارت هر شب ایشان هرگز ترک نشد. ایشان در اغلب ایام زیارتی، از نجف اشرف به کربلای معلا می‌رفتند و در کنار قبر امام حسین (ع) مشغول زیارت و توسل بودند. در سایر ایام و به خصوص در دهه عاشورا، هر روزه زیارت عاشورای معروف را با صد مرتبه لعن و سلام می‌خواندند. پس از بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، علی رغم تمام گرفتاری های ناشی از

رهبری انقلاب و نظام، برنامهٔ توسل‌ات و زیارت‌های ایشان و به خصوص زیارت عاشورا ایشان ترک نگردید. ایشان روزها تسبیح در دست می‌گرفتند و در حالی که در حیاط منزل قدم می‌زدند، زیارت عاشورای معروف را با صد لعن و سلام می‌خواندند. در این ساعات کمتر کسی نزدیک و مزاحم امام می‌شد. در این قسمت از مقاله سعی می‌شود از زبان یاران و شاگردان امام (ره) اهمیت ایشان به زیارت عاشورا بیانشان شود.

۱-۲. در پاریس زیارت عاشورا می‌خواندند

روز اول محرم در نوفل لوشاتو مصادف بود با اولین شبی که مردم ایران در پشت بامها تکبیر می‌گفتند. همان شب شخصی از تهران تلفن زد و گفت گوشی را می‌گذارم کنار پنجره تا صدای تکبیر مردم را که با گلوله مخلوط شده بود بشنویید صدا را ضبط کرده خدمت امام بردیم. اما در داخل اتاق تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می‌خواندند. در حالی که ما متوجه مسایل ماه محرم نبودیم، ایشان در سرزمینی زیارت عاشورا می‌خواندند که شاید برای اولین بار در آنجا خوانده می‌شد. (فردوسی پور، روزنامه رسالت، ۱۴ / ۴ / ۶۸)

۲-۲. قبل از زیارت عاشورا بیاورید

خیلی از افراد و شخصیتها وقتی در شرایط مختلف قرار می‌گیرند برنامه‌ها و وضعیت آنها فرق می‌کند، ولی امام در تمام حالات وضعشان تغییر پیدا نمی‌کرد؛ مثلاً امام همیشه در دههٔ محرم زیارت عاشورا را می‌خواندند. هر سال از ابتدای دههٔ محرم ساعت نه صبح به حرم حضرت علی (ع) مشرف می‌شدند و زیارت امین الله و زیارت عاشورا می‌خواندند. این امر تا هشت محرم ادامه داشت. بعد این برنامه با تشریف امام به کربلا در حرم امام حسین (ع) انجام می‌شد. این برنامه چهارده ساله امام در نجف و عراق بود. در دههٔ محرم سال ۵۷ هنگامی که در پاریس بودیم هر روز ساعت نه صبح یکی از برادران مأموریت داشت اخبار و گزارشات را خدمت امام تقدیم کند. من روز اول محرم طبق روال روزهای قبل آمدم و وارد منزل شدم. دیدم امام مشغول زیارت عاشورا هستند و پس از اینکه اخبار را دریافت کردند فرمودند: از فردا برنامه را تغییر و ساعت نه کسی برای من خبر نیاورد. قبل یا بعد از زیارت عاشورا اخبار را بیاورید». (محتشمی پور، 1386، ص ۱۳۹)

۳-۲. خاطره مرحوم کوثری از امام (ره)

آقای کوثری که سالها در قم روضه خوان خاص امام بود نقل می‌کرد: پس از شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی وارد نجف شدم، رفقا گفتند خوب به موقع آمدی امام را دریاب که هر چه ما کردیم

در مصیبت حاج آقا مصطفی گریه کند از عهده برنیامدیم، مگر تو کاری بکنی. خدمت امام عرض کردم: «اجازه می دهید ذکر مصیبتی بکنم؟ اجازه فرمودند. هر چه نام مرحوم آقا مصطفی را بردم تا با آهنگ حزین امام را منقلب کنم، که در عزای پسر اشک بریزند، ولی امام تغییر حالی پیدا نکردند و همچنان ساکت و آرام بودند ولی همین که نام حضرت علی اکبر(ع) را بردم هنگامه شد. امام چنان گریستند که قابل وصف نیست. (دوانی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۷۲)

۲-۴. خاطره حجه الاسلام والمسلمین غیوری از امام (ره)

حجه الاسلام والمسلمین غیوری نقل می کند که: روز اول محرم در "نوفل لوشاتو" مصادف بود با اولین شبی که مردم ایران در پشت بام‌ها تکبیر می گفتند. همان شب شخصی از تهران تلفن زد و گفت گوشی را می گذارم کنار پنجره تا صدای تکبیر مردم را که با گلوله مخلوط شده بود ضبط کرده به خدمت امام بردم. امام در داخل اتاق، تسبیح به دست در حال ایستاده مشغول ذکر بودند و زیارت عاشورا می خواندند. در حالی که ما متوجه مسائل ماه محرم نبودیم ایشان در سرزمینی زیارت عاشورا را می خواندند که شاید برای اولین بار در آنجا خوانده می شد. همچنین، ایشان در دهه اول محرم، هر روز زیارت عاشورای معروف را می خواند؛ خادم ایشان گوید: «روزی نزدیک ظهر احساس کردم صدای ضجه و ناله می آید، کمی جستجو کردم، دیدم امام پشت بام منزل رفته، زیارت عاشورا می خواند و اشک می ریزد.» (مجله حوزه، شماره ۳۷، ۱۳۶۱، ص ۸۸)

۳- بازخوانی درس کربلا و فرهنگ عاشورا در کلام امام خمینی رحمه الله علیه

امام حسین با عده کم مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز و همه جا باید این «نه» محفوظ بماند/ ائمه خودشان را فدای اسلام کردند و با ستمکاران سازش نکردند. ماه محرم الحرام فرصت مناسبی برای بازخوانی نظرات صریح بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص مجالس عزاداری، روضه خوانی و دسته‌جات سینه زنی سید و سالار شهیدان است مروری گذرا بر این نظرات کافی است تا به حساسیت بالای امام خمینی(ره) نسبت به مسئله اقامه عزا پی برد. شاید کمتر موضوعی به توان یافت همانند موضوع روضه و اشک برای سید الشهداء علیه السلام که اینچنین رهبر فقید انقلاب اسلامی با منتقدینش عتاب آلود سخن گفته باشد. حضرت امام(ره) عزا برای امام حسین علیه السلام را یکی از شعائر الهی و البته سیاسی می داند که باید حفظ شود و آنها که با تمسخر ملت ایران را ملت گریه می خوانند، خیانتکار معرفی می کند اشک و گریه بر سید الشهداء علیه السلام از جمله نکاتی است که حضرت امام(ره) به تبیین

ضرورت آن پرداخته و با تاکید بر اینکه ملت ما ملت گریه سیاسی است، خطاب به دشمنان می‌گوید "با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است. جنبه سیاسی عزاداری از جمله مواردی است که از دیدگاه امام راحل (ره) نه تنها حائز اهمیت که اصل آن است که به تعبیر ایشان نقشه عزاداری را ائمه اطهار علیهم السلام برای ما ترسیم کرده‌اند.

ویژگیهای تربیتی امام خمینی (ره) در مکتب عاشورایی

برای شناخت شخصیت های برجسته و تاثیرگذار در تاریخ مراجعه به ویژگی های فردی و شخصیتی آن ها بسیار مفید و موثر است، حضرت امام خمینی (س) نیز از این قاعده مستثنی نیستند. از این روی در ادامه به ارائه خلاصه‌ای از شخصیت امام خمینی (س) می پردازیم .

اخلاق نیکو

امام خمینی (س) خویش را به اخلاق دینی متخلص کرده بودند، و با وجود اشتغالات فکری و ذهنی اهل شوخی و مزاح نیز بودند، و همیشه لبخند بر لب داشتند، تا جایی که از نوه های ایشان، خانم ها نعیمه و عاطفه اشراقی نقل شده است که هر کدام گمان می کردیم امام ما را بیشتر از بقیه دوست دارد، چرا که همیشه به همه لبخند می زد، حسن معاشرت امام و رفتار انسانیشان می تواند الگویی برای همه افراد باشد. (مهر و قهر، ص ۲۲۲)

امام خمینی همچنین در ارتباط با حسن خلق می فرمایند: شیوه ائمه ما و اولیای خدا و انبیای خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می دیدند و با حسن معاشرت و با رفتار انسانی، با رفتار الهی رفتار می کردند. و کارهایی را که باید انجام بدهند، با همین حسن رفتار انجام می دهند. از مصادیق حسن خلق می توان به پیشی گرفتن در سلام کردن اشاره کرد، که از شاگردان امام مکرر نقل شده است که گاهی که خدمت ایشان می رسیدیم، سعی می کردیم اگر فاصله حدود ۱۰، ۱۵ متر داشتیم سلام کنیم تا ایشان متوجه شوند، اما ایشان پیش از رسیدن ما سلام می کردند و با خوشرویی با همه مواجه می شدند. (سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۵، ص ۳۱)

تقید به نماز اول وقت، انس با قرآن و مداومت بر خواندن ادعیه

ایشان چون مولای خود حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در تمام طول عمر پربرکت خود بر اداء نماز اول وقت و تلاوت مستمر قرآن تاکید داشتند، و عامل به آن بودند تا جایی که نقل شده است

هنگام ملاقات‌ها نیز در صورت همزمانی با زمان نماز، برای خواندن نماز اول وقت جلسه را ترک می‌کردند، و این تقید ایشان در دوران بیماری و تا لحظات پایانی عمر شریفشان نیز پابرجا بود، امام خمینی (س) با قرآن مانوس بودند و به تلاوت مستمر قرآن توجه ویژه داشتند .

ایشان در خواندن ادعیه نیز مداومت داشتند، و در پاسخ به این که به کدام یک از ادعیه انس یا اعتقاد بیشتری دارید فرمودند: «دعای کمیل و مناجات شعبانیه». که با مراجعه به این دعا و مناجات می‌بینیم که در آن‌ها حالت استغفار، انابه، استغاثه و تضرع به درگاه پروردگار به شکل عاشقانه‌ای وجود دارد.

ساده زیستی در عین آراستگی

حضرت امام خمینی همیشه در حد پایین‌ترین افراد جامعه زندگی می‌کردند، در حالی که امکان زندگی در شرایط مالی بهتر برای ایشان فراهم بود، اما ایشان ساده زیستی را برگزیده بودند، ایشان در گرمای طاقت فرسای نجف حاضر به خرید پنکه یا گذراندن شب در منطقه خنک تری مثل کوفه نشدند اما در عین حال همیشه برخلاف بسیاری از طلبه‌های آن روزگار به ویژه علمای پیرمرد بسیار مرتب و آراسته در خانواده و جامعه حضور می‌یافتند. از اطرافیان ایشان نقل شده است که آئینه‌ای در اتاقشان نصب کرده بودند که مکرر ظاهر خود را با استفاده از آن مرتب می‌کردند، همه لباس‌های خود را حتی پیژامه و دستمالشان را اتو می‌کردند، لباس منزل و لباسی که برای ملاقات‌ها در نظر داشتند متفاوت بود، و گاهی روزانه چند بار برای ملاقات لباس‌ها را عوض می‌کردند و همیشه آن‌ها را مرتب تا کرده و پارچه سفیدی روی آن می‌کشیدند، همیشه اطراف اتاقشان بوی عطر به مشام میرسید و موارد بسیار دیگری که نشان می‌دهد ایشان همچون یک مسلمان واقعی در عین حال که مقید به ساده زیستی و قناعت بودند به آراستگی ظاهر و نظافت بسیار اهمیت می‌دادند .

در خاطرات اطرافیان امام موارد بسیاری در این زمینه نقل شده است، به طور مثال آمده است که امام، هفته خود را به دو قسمت کرده بودند و در هفته، دو بار استحمام می‌کردند. یکی صبح جمعه همراه با غسل جمعه و صبح سه شنبه وسط هفته. در این دو روز اصلاح سر و صورت را هم انجام می‌دادند و برای اصلاح سر از فرزندان و یا خانم کمک می‌گرفتند و لباسهای خود را تعویض می‌کردند و لباس پاکیزه می‌پوشیدند. (برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۱۵۴)

خانم زهرا مصطفوی، دختر امام نیز در ارتباط با آراستگی ایشان این طور نقل کرده‌اند: امام هر روز هفت بار عطر یا ادکلن می‌زدند. چون بین دو نماز مستحب است عطر بزنند و ریش خود را شانه

کنند، لذا هم عطر، هم شانه در سجاده شان بود. و حتی در نوع گذاشتن تسبیح به مستحبات و نظم اهمیت می دادند و تسبیح را به صورت خاصی بالای سجاده قرار می دادند .

شجاعت و آرامش خاطر

حضرت امام فردی بسیار شجاع و دلیر بودند که این ویژگی ایشان در جای جای حیات مبارکشان به ویژه در دوران مبارزات به وضوح به چشم می خورد، این خصلتشان تا حدی بروز می یابد که از ایشان نقل شده است که در موقعیت هایی گفته اند: «اصلاً نمی دانم ترس چیست؟» در این خصوص دکتر پورمقدس یکی از پزشکان معالج ایشان می گوید: اصلاً ترس در تن امام وجود نداشت؛ چرا که از نظر فیزیولوژی و پزشکی، کسی که بترسد، ماده ای در بدنش ترشح می شود به نام «آدرنالین» و این ماده در ضمن ترسیدن، مسئول تظاهرات ترس است؛ یعنی باعث افزایش تعداد ضربان قلب می شود، رنگ انسان سفید می شود، بدن به لرزش و ارتعاش درمی آید، فشار خون بالا می رود و حالت نامطلوبی در شخص ایجاد می شود و ما که دقیقاً هشت نه سال نبض امام در دستمان ... بود و حتی این اواخر که قلب ایشان به طریقه «تله مانیتور»... کنترل می شد... و در این مدت ناملایمات زیادی رخ داده بود... هرگز ندیدیم ضربان قلب امام بالا رود(همان، ۲۷۹)

روحیه امیدوار و خستگی ناپذیری

امام در سخت ترین شرایط از جمله بعد از حمله عوامل رژیم شاه به مدرسه فیضیه روحیه امیدوار خود را از دست ندادند، و با جملات امیدبخش جامعه بودند، ایشان پس از آن حادثه فرمودند: «این ها می روند، شما می مانید، ایستادگی کنید، این ها باطل اند» همین جملات ایشان نور امید را در دل ها روشن می کرد .

ایشان علاوه بر امیدواری بسیار خستگی ناپذیر بودند و در مقابل افرادی که در مقابل ایشان اظهار خستگی می کردند، می گفتند: «من از همه شما اولی به خسته شدن هستم» که این گفتارشان کاملاً صحیح بود، و با این جملات نشان می دادند که با وجود این امر همچنان استوار در راه حق ایستادگی و حرکت می کنند و همین خستگی ناپذیری ایشان موجب استواری و حرکت مسئولین و مردم میشد .

تکامل و رشد مستمر و مداوم

حضرت امام خمینی (س) در تمام طول حیات پربرکشان به رشد و تکامل شخصیت خویش و حرکت در این مسیر الهی اهتمام می ورزیدند، این امر را می توان در موقعیت های مختلفی از زندگی ایشان مشاهده کرد، مثلاً ایشان پس از پیروزی انقلاب همه ساله در طول ماه مبارک رمضان

ملاقات هایشان را تعطیل می کردند، و پس از ماه مبارک رمضان زمانی که اطرافیان به دیدار ایشان می‌رفتند اذعان داشتند که ایشان به طور محسوسی نورانی تر شده اند، یعنی در آن سن بین هشتاد تا نود سالگی هم تقید به عبادات، آثار خود را در ایشان به وضوح آشکار می کرد.

همدلی و همراهی با مردم

ورود مقتدرانه و جدی امام خمینی به دنیای سیاست در ابتدای دهه چهل، آن هم در فضای خاموش و بی تحرک آن عصر، به سرعت نام «آیت الله خمینی» را بر سر زبان‌ها انداخت و در مدتی بسیار کوتاه، شجاعت و جسارت او در دفاع از دین و کیان ملت، بسیاری را شیفته و عاشق مرام و منش او کرد. این ارتباط عمیق، از نگاه ناظران بیرونی نیز مخفی نمانده است؛ میشل فوکو، فیلسوف مشهور فرانسوی، پیوند مردم با امام را چنین ترسیم می کند: شخصیت آیت الله خمینی پهلوی به افسانه می زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی ای، حتی به پشتیبانی همه رسانه های کشورش، نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند.

یکی از مهم ترین دلایل این شیفتگی و ارادت، افزون بر تقوای الهی و خلوص نیت امام، همراهی و همدلی ایشان با مردم بود. طبیعی است که حضرت امام، به عنوان رهبر یکی از مهم ترین انقلاب های جهان، از ذهنی بسیار پیچیده- که لازمه طراحی و برنامه ریزی یک حرکت حساب شده انقلابی است- برخوردار بود و به همین دلیل دشمنان و مخالفان ایشان، او را شخصی بسیار پیچیده و غیرقابل پیش بینی می دانستند؛ اما از سوی دیگر، هیچ گاه در میان مردم چنین گمان و برداشتی پدید نیامد. زبان امام، آشناترین و قابل فهم ترین زبان برای مردم بود و مواضع ایشان، روشن ترین و بی ابهام ترین مواضع. مردم، امام را با خود کاملاً صمیمی و یکدل یافته بودند و سخنانش را ترجمان خواسته های خود می دیدند و ارزش ها و آرزوهایش را می شناختند.

کلام و ادبیات امام نیز برای مردم جذابیت داشت. بسیاری از اندیشمندان به دلیل اینکه سال های متمادی، با واژه ها و اصطلاحات تخصصی سروکار داشته اند، بی آنکه خود توجه داشته باشند، سخنانشان دیگران را به زحمت می اندازد و فهم کلماتشان برای مخاطب مشکل می شود. بگذریم از کسانی که با به کارگیری اصطلاحات علمی و تخصصی، دانش خویش را به رخ دیگران می کشند. اما امام با وجود آنکه در علوم فراوانی تخصص داشت، با مردم، ساده و صمیمی سخن می گفت و با دشوارگویی و به کارگیری اصطلاحات علمی، مردم را نمی آزد. برخلاف بسیاری از سیاستمداران و رهبران سیاسی، در ادبیات سیاسی او واژه های نامأنوس و دور از ذهن نمی توان

یافت.

او در لابه لای سخنرانی‌های اجتماعی و سیاسی، گاه ظریف‌ترین و دقیق‌ترین نکته‌های عرفانی را با زبانی ساده و صمیمی به یارانش ارزانی می‌کرد؛ این مطالب، همان رموزی بودند که دیگر عارفان، در پس‌واژه‌ها و اصطلاحات دشوار، به آنها اشاره می‌کردند. مثلاً امام، بسیار ساده و صمیمی می‌گفت: «عالم محضر خداست؛ در محضر خدا معصیت خدا نکنید» و از آن پس، یارانش، در هنگامه گناه، حضور و نگاه سنگین خدا را حس می‌کردند و از گناه دست می‌شستند و به همین سادگی عارف می‌شدند.

همدردی امام با مردم هم شنیدنی است؛ شدت گرمای نجف در تابستان‌ها که گاه تا پنجاه درجه نیز می‌رسد، بسیاری را از آنجا فراری می‌دهد و روانه کوفه، که آب و هوای خوبی دارد، می‌کند؛ اما امام هرگز چنین نکرد و در پاسخ به اصرار اطرافیان، با تعجب گفته بود: «آیا من می‌توانم به کوفه بروم، درحالی که بسیاری از مردم ایران در سیاه‌چال‌ها به سر می‌برند؟!» وقتی اطرافیان از ایشان اجازه خواستند تا لااقل وسیله خنک‌کننده‌ای تهیه کنند، امام به این دلیل که بسیاری از مردم، از تهیه چنین وسیله‌ای ناتوان‌اند، اجازه ندادند.

در سرمای سخت فرانسه نیز امام دستور داد که بخاری‌ها را خاموش کنند؛ تنها به این دلیل که اعتصاب کارکنان نفت، مردم ایران را با بحران کمبود نفت مواجه ساخته بود همین ماجرا در سال ۱۳۶۲ که در غرب کشور مشکل کمبود نفت ایجاد شده بود، تکرار شد.

در اواخر جنگ که تهران، هدف موشک‌باران و بمباران رژیم عراق قرار گرفته بود، اطرافیان و محافظان امام، هر چه اصرار کردند، نتوانستند امام را راضی کنند به پناهگاه بروند؛ استدلال امام این بود که چون همه مردم امکان استفاده از پناهگاه ندارند، من نیز استفاده نمی‌کنم. از نظر مادی نیز زندگی امام خمینی برای مردم جالب بود. زندگی او پیش از آنکه رهبری نهضت را برعهده گیرد، همچون غالب مردم و در حد متوسط بود.

با شروع مبارزه، زندگی امام از آنچه بود هم ساده‌تر شد و این، برای مردم بسیار مهم و معنادار بود. لوسین ژرژ، خبرنگار روزنامه لوموند، خانه و محله امام را در تبعیدگاهش چنین توصیف می‌کند: در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌هایش... سخت به هم فرو رفته است، مسکن محقر آیت‌الله خمینی قرار دارد. این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است. در سه اتاق این خانه، حداکثر دوازده تن از نزدیکان وی حضور داشتند. در این مسکن محقر، از قدرت رؤسای

شورش و یا رؤسای جبهه مخالف که در تبعید به سر می‌برند، هیچ نشان و علامتی دیده نمی‌شود و اگر آیت الله خمینی قدرت آن را دارد که ایران را به حرکت درآورد، این قدرت مسلماً ناشی از تسلط و اقتدار وی بر افکار مردم ایران است. . . اکنون ما در حضور آیت الله در اتاقی دو در سه متر و در خانه ای هستیم که در دورترین قسمت نجف است

پیروزی انقلاب نیز چیزی به دارایی های امام نیفزود. این بخش از زندگی امام نیاز به شرح ندارد؛ دیداری از منزل استیجاری امام در جماران، اتاق کوچک کار و ملاقات ایشان، حسینیه جماران که محل ملاقات های عمومی امام بود و به اصرار امام نیمه کاره ماند و حتی کوچه پس کوچه های تنگ محله های جماران، بهترین گواه سلامت نفس و پارسایی مردی است که از همان خانه کوچک و قدیمی، هیمنه و شکوه ابرقدرت های شرق و غرب را فرو ریخت و خواب را از چشم آنان گرفت (غلامعلی رجایی، برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۱۲۹)

ثبات قدم

بسیاری، سیاست را بازی مواضع در یک فرایند چندجانبه چانه زنی قلمداد کرده اند. بر پایه چنین نگرشی، در دنیای سیاست، نمی توان سیاستمدار بود و در عین حال، تغییرناپذیری و ثابت قدمی را پیشه کرد. برخی با همین نگاه، ثبات قدم، سازش ناپذیری و عزم راسخ حضرت امام را به حساب ناآشنایی ایشان با سیاست می گذاشتند درحالی که علاوه بر اعتقادات دینی و روح عرفانی امام که او را از چنین بازی هایی منع می کرد، یکی از دلایل شیفتگی و عشق مردم به ایشان نیز به همین ثبات قدم و سازش ناپذیری ایشان بازمی گشت. ثبات رأی و سازش ناپذیری امام در «توکل»، «دشمن شناسی»، «درایت و دوراندیشی سیاسی» و از همه مهم تر در استراتژی «عمل به تکلیف» ایشان ریشه داشت، نه در عدم درک ساز و کارهای دنیای سیاست.

حضرت امام در دوران طولانی مبارزه، حقیقتاً یک مبارز سرسخت و خستگی ناپذیر بود. در سخت ترین شرایط، درست بعد از زمان آزادی امام از حصر چند ماهه و در فضای تبلیغاتی شدیدی که از «رفع سوء تفاهم ها» و مصالحه حکومت با امام خبر می داد، ایشان در نخستین سخنان خود اعلام کرد که «خمینی را اگر دار [هم] بزنند تفاهم نخواهد کرد

سازش ناپذیری امام، چیزی بود که بعدها، دوست و دشمن، آن را باور داشتند و امام خمینی را با این خصیصه کاملاً روشن می شناختند. لوسین ژرژ، خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند در این رابطه می گوید: آیت الله عزمی راسخ و کامل دارد و درصدد قبول هیچ گونه مصالحه ای نیست؛ مصمم

است که در مبارزه خود علیه شاه تا پایان پیش برود (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۹)

برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، نیز در کمال سرافکندگی از شکست استراتژی های نوبه نوی آمریکا، اعتراف می کند که: «خمینی یک انسان سازش ناپذیر است

امام خمینی پس از نزدیک به سه دهه مبارزه و تلاش، همچنان خستگی ناپذیر و سرسخت می نمود. در آخرین سال های حیات نیز همچنان توفنده و پرخروش به دشمنان هشدار داد که:

هیئات که خمینی در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن و عترت و رسول خدا و اُمت محمد (ص)... ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم. قدرت ها و ابرقدرت ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها بماند، به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا، در کنار بسیجیان جهان اسلام... خواب راحت را از دیدگان جهان خوارگان... سلب خواهد کرد (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹)

پایبندی به اصول اخلاقی و دینی

آنچه در بازی های سیاسی به عنوان عنصر مزاحم شناخته می شود و هیچ خریداری در میان سیاستمداران حرفه ای ندارد، پایبندی به تعهدات اخلاقی و اصول محدودکننده دینی است و کسی که بخواهد با دین و اخلاق پا به عرصه سیاست بگذارد، معمولاً فاقد شم سیاسی و ناآشنا با قواعد آن شناخته می شود و محکوم به شکست است.

دنیای سیاست، در نظر بسیاری، دنیای آزادی از قید و بندهای اخلاق و دین است و به گفته ماکیاوولی: شهریاری که بخواهد شهریاری را از کف ندهد، می باید شیوه های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هر جا که نیاز باشد، به کار بندد... زیرا چون نیک بنگریم، [صفتی هست که] فضیلت به شمار می آید، اما به کار بستن سبب نابودی [دولت] می شود؛ حال آنکه [صفت] دیگری هست که ردیلت به نظر می آید، اما ایمنی و کامروایی به بار می آورند

این نگاه، دچار یک مشکل اساسی است: اگر سیاست، حکومت و قدرت، ابزاری برای رسیدن جامعه انسانی به سعادت باشد، این همان رسالتی است که اخلاق نیز برعهده دارد؛ پس چگونه ممکن است این دو نتوانند برای رساندن انسان به سعادت، در کنار یکدیگر باشند؟ آیا می توان با عمل غیراخلاقی، که سعادت آدمی را به مخاطره می اندازد، به سعادت دست یافت؟ واقعیت آن

است که نمی‌توان میان اهداف سیاست- به معنای صحیح آن- و اخلاق، دوگانگی یافت و این دو، عهده دار یک رسالت اند. به همین دلیل امام علی (ع) در پاسخ به کسانی که بر او خرده می‌گرفتند که «پسر ابوطالب دلیر است، اما علم جنگ نمی‌داند» فرمودند: به خدا سوگند! معاویه زیرک تر از من نیست؛ اما شیوه او پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نمی‌بود، زیرک تر از من کسی نبود (نهج البلاغه، خطبه ۲۲) روشن است که ورود در دنیای سیاست، با حفظ ارزش‌های اخلاقی، کار آسانی نیست. حضرت امام از معدود چهره‌های سیاسی است که سیاست را با ملاحظه اصول اخلاقی و با قواعد خاص خودشان دنبال می‌کردند؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه تعارضی میان برنامه‌های سیاسی و اصول اخلاقی‌شان پدید نیامد. دلیل این امر هم روشن است: آنچه اخلاق و سیاست را در بر می‌گیرد، دین است؛ و خدایی که دین را برای سعادت و هدایت انسان نازل کرده، اخلاق و سیاست را هماهنگ و سازگار با هم می‌داند؛ بلکه حتی «احکام اخلاقی اش هم سیاسی است»

امام، ثابت کرد که می‌توان در دنیای هیله و نیرنگ، سیاستمدار بود و در عین حال، جامعه‌ای بر بنیان اصول الهی و اخلاقی بنا نهاد. توصیه او به دیگران نیز حفظ اقتدار، با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی است:

شما با رفتار اسلامی و با حفظ نهضت و با پیشبرد نهضت و توجه به اینکه خدای تبارک و تعالی ما را تأیید می‌کند، با رفتار و اخلاق اسلامی، این قدرتی که شما را به پیروزی رسانده است، حفظ کنید صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۴۲)

برنامه ریزی و نظم در امور روزمره

یکی از ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی اهمیت دادن به برنامه ریزی بود. ایشان ساعات خود را در شبانه روز به بخش‌هایی همچون استراحت، عبادت، مطالعه، رفت و آمد و ... تقسیم کرده بودند و در انجام تمام امور خود به این برنامه ریزی مقید بودند، و کارهایشان را بر مبنای همین برنامه از پیش تعیین شده انجام می‌دادند، شایان ذکر است که این برنامه ریزی متناسب با برنامه خانواده ایشان انجام شده بود.

برنامه ریزی‌های ایشان صرفاً به زمان‌های طولانی اختصاص نداشته و حتی برای زمان‌های کوتاه مثل فاصله پیش از صرف غذا، یا بخش اخبار نیز برنامه از پیش تعیین شده داشته‌اند، به طور مثال نقل شده است که زمانی ایشان را برای صرف شام صدا زدند، و امام می‌فرماید: هنوز ده دقیقه به

وقت شام مانده است، که نشان از این دارد که برای آن زمان نیز برنامه ای در نظر گرفته بوده اند، و همین برنامه ریزی ایشان بر سایر افراد نیز تاثیرگذار بوده است

تقید به انجام ورزش روزانه

امام خمینی (س) به انجام روزانه ورزش بسیار اهمیت می دادند و در این رابطه می فرمودند: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می کند... عقل را هم سالم می کند و اگر عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. شما همان طور که ورزش می کنید و اعصاب خودتان را قوی می کنید، و ان شاء الله برای مملکت و آتیه مملکت مفید خواهید شد، لازم است که همه ابعاد وجودی خودتان را تحت تربیت ورزشی درآورید».

ایشان در طول عمر بابرکت خود به ورزش های همچون فوتبال، کوهنوردی، شنا، ژیمناستیک، پرش طول و ارتفاع، ورزش های باستانی و کشتی اشتغال داشته اند، و پس از افزایش سن به پیاده روی و کوهنوردی می پرداختند و هرگز حتی در دوران زندان انفرادی و یا زندگی در نجف پیاده روی و قدم زدنشان را ترک نکردند، در توصیه هایشان به فرزندان و نوه ها آمده است: «در ساعت تفریح، درس نخوانید و در ساعت درس خواندن، تفریح نکنید؛ هر کدام در جای خود» و نیز می فرمودند: «من، نه یک ساعت تفریحم را گذاشتم برای درس و نه یک ساعت وقت درس را برای تفریح گذاشتم».

به طور مثال در مرور زندگی ایشان میبینیم که تا سن ۵۰ سالگی یک ماه در تابستان را به همراه خانواده در منزل پیرزنی در درکه تهران می گذراندند، و در همان دوران هر روز عصر با لباس روحانیت به کوهنوردی می پرداختند.

عوامل مؤثر بر شکل گیری شخصیت امام خمینی (س)

امام خمینی (س) ظرفیتی متفاوت با سایر افراد داشت و همین موجب شد که به رهبری بی نظیر در عصر ما بدل شود، ایشان را نمی توان با هیچ یک از روحانیون و مراجع یا اعضای خانواده خودش، و حتی با شخصیت های سیاسی یک قرن گذشته مقایسه کرد .

شخصیت این بزرگوار تحت تاثیر عوامل گوناگونی شکل گرفت، که می توان آن ها را در سه دسته خانواده، شرایط تاریخی خمین، سپس قم، و کل ایران و آموزه های علمی، سیاسی و اخلاقی ایشان تقسیم بندی کرد .

خانواده

پدر امام خمینی (ره) بعد از گذشت ۴ ماه و ۲۲ روز از تولد ایشان به شهادت رسیدند اما حلقه تربیتی امام در خانواده بسیار تاثیرگذار بوده است، و تاثیر خانواده ایشان را در دو حلقه نزدیکانشان و پس از آن خانواده پدری و مادریشان بررسی کرد.

در حلقه اول تاثیر مستقیم تربیت پدر را نمی توان بررسی کرد، اما شخصیت امام تحت تاثیر فضای تربیتی پدر که بر خانه و خانواده حاکم بوده است قابل بررسی است. مادر نیز که تا ۱۶ سالگی ایشان زنده بودند خانمی مومن و عالم بودند که امام در دامانشان پرورش یافته است. برای اطلاعات بیشتر زندگینامه مادر امام خمینی را مطالعه کنید.

با توجه به این که خواهران و برادران ایشان فاصله سنی زیادی با او نداشتند نمی توان گفت که تاثیر زیادی بر تربیتشان داشته باشند. آیت الله پسندیده برادر بزرگ ایشان ۷ سال فاصله سنی با امام داشتند که نمی توان گفت تاثیر زیادی از پدر گرفته بودند اما از جهت فرهنگی و علمی بر امام تاثیرگذار بودند.

حلقه دوم خانواده پدری امام که عمه ها و فرزندان ایشان هستند، در خمین به لحاظ سیاسی و علمی شخصیت های تاثیرگذاری بودند

در خانواده مادری امام خمینی (س) نیز فضای حاکم علمی و سیاسی بود. دایی های ایشان از روحانیون بودند و پدر بزرگشان مرحوم حاج شیخ احمد مجتهد امام جمعه خمین بوده است، که علاوه بر تدریس در زمینه علوم حوزوی و علوم قدیمه مردم ایشان را به عنوان فردی سیاسی می شناختند.

در رابطه با حلقه دوم می توان گفت صاحبه خانم (عمه حضرت امام که بعد از شهادت پدر امام خمینی سرپرستی فرزندان برادر را به عهده می گیرند و در کنار مادر به مراقبت و پرورش آنان می پردازند) بیش از سایرین بر امام تاثیرات شخصیتی داشته است.

منش و رفتار ایشان در شکل گیری شخصیت اولیه امام تاثیر به سزایی داشته است، اما می توان مهمترین ویژگی صاحبه خانم را که در امام به شکل برجسته ای به چشم می خورد شجاعت دانست، تحقیقات نشان می دهد که ایشان به حدی نترس و شجاع بودند که به اصطلاح هیچ مردی در خمین در شجاعت به پای ایشان نمی رسید.

جمع بندی

حاصل سخن اینکه باتوجه به نظریه لیلی عشقی، جریان انقلاب اسلامی یک «حادثه درونی» است که برای ملت ایران اتفاق افتاده است. مردم ناگهان به گونه ای عمل کردند که همه دنیا و حتی

خودشان هم از اینکه این طور شجاعت به خرج دادند، تعجب کردند. در حادثه انقلاب گویی هیچ چیز برای مردم مهم نبود و مردم صرفاً در صدد ابراز وجود خود بودند. می‌خواستند وجود داشته باشند و حرف خود را بزنند. کلامی که تأویل اسلامی و تحقق آن بود. درست از جنس حرکت امام حسین (ع) که آن حرکت نیز، حرکتی وجودی بود که گرچه به مرگ منتهی شد امام حسین (ع) آغازگر حرکت‌های متعدد در بستر تاریخ شد. تقویت پیوند معنوی با خاندان عصمت و طهارت، پیدایش روحیه ظلم‌ستیزی، دوری جستن از خط انحراف، الهام گرفتن و الگو قرار دادن اسوه‌های هدایت از درس‌های و عبرت‌های عاشورا است که در بیانات امام خمینی (ره) بیان شده است. در بیانات امام خمینی (ره) شاهد آن بودیم که ایشان با چه زیبایی انقلاب ایران را در راستای حرکت امام حسین (ع) قرار داده و با الگوگیری کامل از آن توانسته بود این انقلاب را شکل دهد حتی بقای انقلاب اسلامی را نیز محبت به امام حسین (ع) و بزرگداشت مراسم محرم و صفر و شرکت در مجالس عزای امام حسین (ع) می‌دانست.

منابع

- جعفرین محمد ابن قولویه، (1395)، کامل الزیارات، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی استوار خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد هشتم) (اعتقاد قلبی در سخنگوی اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد دهم) (هراس دشمنان از اسلام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد سیزدهم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد پانزدهم) (اهمیت حفظ نظام جمهوری اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد دهم) (مقایسه رژیم پهلوی با دولتهای اموی و عباسی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلد یازدهم) (اهمیت حفظ نظام جمهوری اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام (جلدهفدهم) (مبهم بودن کیفیت نزول قرآن در شب قدر)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
 خمینی، روح الله، (۱۳۸۳) شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم

دشتی‌برازجانی، عبدالمجید (۱۳۹۴) انقلاب اسلامی تجلی آیات قرآن مجید: به ضمیمه ۴۰ نکته پیرامون انقلاب اسلامی در اندیشه مطهر، انتشارات کریمه اهل بیت (ع)

جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱)، کتاب بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب. تهران. دانشگاه امام صادق رازی، ابو عبدالله محمد بن الحسین الطبرستانی الرازی معروف به فخر الدین (۱۳۷۳) تفسیر کبیر، همچنین تفسیر مفاتیح الغیب یا تفسیر فخر رازی، انتشارات، تهران: دارالکتب الاسلامی

دوانی، علی (۱۳۵۸)، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)

سعیدی، حسن (۱۳۹۵)، زینب کبری و اشکهای امام زمان (عج) مشهد. هاتف

سعیدی، حسن (۱۳۹۴)، امام الشیر (شرحی بر زندگانی و کرامات امام حسین (ع))، مشهد. هاتف

فردوسی پور، حجه الاسلام (۱۳۶۸)، در محضر امام خمینی، تهران، روزنامه رسالت ۶۷/۴/۱۴.

لیلی، عشقی (۱۳۹۵) ترجمه احمد نقیب زاده، زمانی میان زمان ها: امام، شیعه و ایران، تهران، فلات معینی علمداری (۱۳۸۵)، جهانگیر. روش شناسی نظریه های جدید در سیاست (اثباتگرایی و فرا اثباتگرایی تهران. انتشارات دانشگاه تهران

واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی

هادیان، ناصر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) « پاییز ۱۳۷۷ - شماره ۴۱ (۲۰)

مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶) بحار الانوار، تهران، انتشارات اسلامیه

محتشمی پور، علی اکبر (۱۳۸۶)، حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی